

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۱۵

آیه ۳۹ - ۴۲

آیه و ترجمه

قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرزقین ۳۹
و یوم یحشرهم جمیعا ثم یقول للملائكة اهولاء ایاکم کانوا یعبدون ۴۰
قالوا سبحنک انت ولینا من دونهم بل کانوا یعبدون الجن اکثرهم بهم مومنون ۴۱
فالیوم لا یملک بعضکم لبعض نفعا و لا ضرا و نقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار التی کنتم بها تکذبون ۴۲
ترجمه :

۳۹ - بگو: پروردگارم روزی را برای هر کس بخواهد توسعه میدهد و برای هر کس بخواهد تنگ (و محدود) می‌سازد، و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید جای آن را پر میکند و او بهترین روزی دهندگان است.
۴۰ - به خاطر بیاور روزی را که خداوند همه آنها را محشور میکند، سپس به فرشتگان می‌گوید: آیا اینها شما را پرستش می‌کردند؟!

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۱۶

۴۱ - آنها می‌گویند: منزهی (از این نسبت‌های ناروا) تنها تو ولی ما هستی نه آنها، (آنان ما را نمی‌پرستیدند) بلکه جن را پرستش میکردند، و اکثرشان به آنها ایمان داشتند!
۴۲ - امروز هیچ‌یک از شما نسبت به دیگری مالک سود و زیانی نیست و به ظالمان می‌گوئیم بچشید عذاب آتشی را که تکذیب میکردید!
تفسیر :

بیزاری معبودان از عابدان

بار دیگر در این آیات به پاسخ گفتار آنها که اموال و اولاد خود را دلیل بر قرب

خویش در درگاه خداوند می‌پنداشتند باز می‌گردد، و به عنوان تاکید می‌گوید: بگو پروردگار من روزی را برای هر کس از بندگانش بخواهد گسترده یا محدود میکند (قل ان ربی یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له).

سپس می‌افزاید: آنچه را در راه خدا انفاق کنید خداوند جای آنرا پرمی‌کند و او بهترین روزی دهندگان است (و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه و هو خیر الرازقین).

گرچه محتوای این آیه تاکید بر مطلب گذشته است ولی از دو جهت تازگی دارد:

نخست اینکه آیه گذشته که مفهومش همین مفهوم بود بیشتر ناظر به اموال و اولاد کفار بود در حالی که تعبیر به «عباد» (بندگان) در آیه مورد بحث نشان می‌دهد که ناظر به مومنان است، یعنی حتی در مورد مؤمنان گاه روزی را گسترده میکند - آنجا که صلاح مومن باشد - و گاه روزی را تنگ و محدود می‌سازد - آنجا که مصلحتش ایجاب کند، و به هر حال وسعت و تنگی معیشت دلیل بر هیچ چیزی نمیتواند باشد.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۱۷

دیگر اینکه آیه قبل وسعت و تنگی معیشت را در باره دو گروه مختلف بیان میکرد در حالی که آیه مورد بحث ممکن است اشاره به دو حالت مختلف از یک انسان باشد که گاه روزیش گسترده و گاه تنگ و محدود است. به علاوه آنچه در آغاز این آیه آمده در حقیقت مقدمه‌ای است برای آنچه در پایان آیه است و آن تشویق به انفاق در راه خدا است.

جمله «فهو یخلفه»: (او جایش را پر میکند) تعبیر جالبی است که نشان می‌دهد آنچه در راه خدا انفاق گردد در حقیقت یک تجارت پر سود است، چرا که خداوند عوض آنرا بر عهده گرفته، و میدانیم هنگامی که شخص کریمی عوض چیزی را بر عهده می‌گیرد رعایت برابری و مساوات نمیکند بلکه چند برابر و گاه صد چندان میکند.

البته این وعده الهی منحصر به آخرت و سرای دیگر نیست، آن که در جای خود مسلم است، در دنیا نیز با انواع برکات جای انفاقها را به نحو احسن پر میکند. جمله «هو خیر الرازقین» (او بهترین روزی دهندگان است)

معنای گسترده‌ای دارد و از ابعاد مختلف قابل دقت است. او از همه روزی دهندگان بهتر است به خاطر اینکه میداند چه چیز ببخشد و چه اندازه روزی دهد که مایه فساد و تباهی نگردد، چرا که به همه چیز عالم است.

او هر چه بخواهد میتواند اعطاء کند چرا که به هر چیز قادر است. او در برابر آنچه میبخشد پاداش و جزائی نمیخواهد چرا که غنی بالذات است. او حتی بدون درخواست میدهد چرا که از همه چیز با خبر است و حکیم است.

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۱۸

بلکه در حقیقت هیچکس جز او روزی دهنده نیست، چرا که هر کس هر چه دارد از او است و هر کس چیزی به دیگری میدهد واسطه انتقال روزی است، نه روزی دهنده.

این نکته نیز قابل دقت است که او در برابر اموال فانی نعمتهای باقی میدهد، و در مقابل قلیل کثیر میبخشد.

و از آنجا که این گروه از ثروتمندان ظالم و طاغی در زمره مشرکان بودند و ادعا میکردند که ما فرشتگان را میپرستیم و آنها شفیعان ما در قیامت هستند، قرآن به پاسخ این ادعای بی اساس نیز پرداخته چنین می گوید: به خاطر بیاور روزی را که خداوند همه آنها - چه عبادت کنندگان و چه عبادت شوندهگان - را محشور میکند، سپس فرشتگان را مخاطب ساخته می گوید: آیا اینها شما را عبادت میکردند؟! (و یوم يحشرهم جميعا ثم يقول للملائكة اهؤلاء اياكم كانوا يعبدون).

بدیهی است این سوال سوالی نیست که مجهولی را برای ذات پاک خداوند کشف کند چرا که او به همه چیز عالم است، هدف این است از بیان فرشتگان حقایق گفته شود، تا این گروه عبادت کننده سرافکنده و شرمنده شوند، و بدانند آنها از عمل اینها کاملاً بیزارند، و برای همیشه مایوس شوند.

ذکر «ملائکه» از میان تمام معبودهائی که مشرکان داشتند، یا به خاطر آن است که فرشتگان شریفترین مخلوقی بودند که آنها پرستش میکردند، جایی که از آنها در قیامت شفاعتی حاصل نشود از یک مشتش سنگ و چوب یا جن و شیاطین چه میتواند حاصل شود؟!

یا از این نظر است که بت پرستان سنگ و چوبها را مظهر و سمبل موجودات

علوی (فرشتگان و ارواح انبیاء) میدانستند، و به این عنوان آنها را پرستش

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۱۹

می کردند، چنانکه در تاریخچه بت پرستی در میان قوم عرب آمده است که عمرو بن لحي در سفری که به شام رفته بود جمعی را در حال بت پرستی دید از آنها در این باره سوال کرد گفتند اینها خدایانی هستند که به شکل موجودات علوی ساخته ایم، از آنها یاری میجوئیم، و به وسیله آنها تقاضای باران میکنیم! عمرو بن لحي این عمل را پسندید و از آنها پیروی کرد، و بتی همراه خود برای حجاز به سوغات آورد، و از آن زمان بت پرستی آغاز شد، و گسترش یافت تا اینکه اسلام آمد و آن ریشه کن ساخت.

اکنون ببینیم «فرشتگان» در پاسخ سوال پروردگار چه می گویند؟ آنها جامعترین و مودبانه ترین پاسخ را انتخاب کرده چنین عرض میکنند: منزهی تو ای پروردگار از این نسبتهای ناروا که به ساحت مقدست داده اند (قالوا سبحانک).

ما به هیچوجه با این گروه ارتباط نداشته ایم، تنها تو ولی ما هستی نه آنها (انت ولینا من دونهم).

آنها ما را پرستش نمیکردند، بلکه جن را می پرستیدند و اکثرشان به جنیان ایمان داشتند (بل کانوا یعبدون الجن اکثرهم بهم مومنون).

در اینکه مفهوم پاسخ فرشتگان چیست؟ در میان مفسران گفتگو است، و هر یک تفسیری برای آن کرده اند، اما آنچه نزدیکتر به نظر میرسد این است که منظور از جن شیطان و سایر موجودات خبیثی است که بت پرستان را به

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۰

این عمل تشویق میکردند، و آن را در نظرشان زینت میدادند، بنا بر این مراد از عبادت جن همان اطاعت و پیروی از فرمان و پذیرش وسوسه های آنها است. فرشتگان ضمن اظهار تنفر و بیزاری و اعلام عدم رضایت به این کار می گویند عامل اصلی این فساد شیاطین بودند هر چند ظاهراً ما را پرستش میکردند، باید چهره واقعی این کار را برملا کرد.

و به این ترتیب عبادت کنندگان را به تمام معنی از خود میرانند و نومید میکنند.

نظیر این معنی را در سوره یونس نیز داشتیم آنجا که میفرماید: و یوم نحشرهم جمیعاً ثم نقول للذین اشرکوا مکانکم انتم و شرکائکم فزیلنا بینهما و قال شرکائهم ما کنتم ایانا تعبدون: «به خاطر بیاور آن روز را که همه آنها را جمع میکنیم سپس به مشرکان میگوئیم شما و معبودهایتان در جای خود باشید (تا به حسابتان رسیدگی شود) سپس آنها را از هم جدا میکنیم، و معبودهایشان به آنها میگویند: شما هرگز ما را عبادت نمیکردید! (یونس - ۲۸).

یعنی شما در حقیقت هوا و هوسها و اوهام و پندارهای خویش را میپرستیدید نه ما را، و از این گذشته این عبادت شما نه به امر و فرمان مابود و نه به رضایت ما، و عبادتی که چنین باشد در حقیقت عبادت نیست.

به این ترتیب امید مشرکان در آن روز به نومیادی کامل تبدیل میشود و به وضوح این حقیقت برای آنها روشن میگردد که معبودان آنها کوچکترین گرهی از کارشان نخواهند گشود، بلکه از آنان متنفر و بیزارند.

لذا در آیه بعد به عنوان یک نتیجه گیری پر معنی میگوید: امروز هیچیک از شما نسبت به دیگری مالک سود و زیانی نیست (فالیوم لا یملک بعضکم لبعض نفعا و لا ضرا).

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۱

بنا بر این نه فرشتگان که ظاهراً معبود آنها بودند میتوانند شفاعتی کنند، و نه آنها نسبت به یکدیگر میتوانند کمکی انجام دهند.

«اینجاست که به این ظالمان میگوئیم: بچشید عذاب آتشی را که آنرا تکذیب میکردید» (و نقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذبون).

این نخستین بار نیست که قرآن از مشرکان تعبیر به «ظالم» و ستمگر میکند، بلکه در بسیاری دیگر از آیات قرآن از «کفر» تعبیر به «ظلم» یا از «کافران و مشرکان» تعبیر به «ظالمان» شده است، چرا که قبل از هر چیز بر خود ستم میکنند که تاج پرافتخار عبودیت پروردگار را از سر برداشته، و طوق بندگی خفتبار بتها را برگردن می نهند، و همه حیثیت و شخصیت و سرنوشت خود را بر باد میدهند.

در حقیقت آنها در روز قیامت هم مجازات شرک خود را میبینند، و هم مجازات انکار معاد را، و در جمله «و نقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذبون» هر دو معنی جمع است.

نکته‌ها:

۱ - انفاق مایه فزونی است نه کمبود

تعبیری که در آیات فوق در مورد انفاق خواندیم که فرمود هر چیزی را که در راه خدا انفاق کنید خداوند جای آن را پر میکند تعبیری است بسیار پر معنی. اولاً: از این نظر که «شیء» به معنی وسیع کلمه، تمام انواع انفاقها را اعم از مادی و معنوی، کوچک و بزرگ، به هر انسان نیازمند اعم از صغیر و کبیر، همه را شامل میشود، مهم اینست که انسان از سرمایه‌های موجود خود در راه

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۲

خدا ببخشد به هر کیفیت و به هر کمیت باشد. ثانیاً: انفاق را از مفهوم فنا بیرون می‌آورد، و رنگ بقا به آن میدهد، چرا که خداوند تضمین کرده با مواهب مادی و معنوی خود که چندین برابر و گاه هزاران برابر - و حداقل ده برابر است - جای آن را پر کند، و به این ترتیب شخص انفاق کننده هنگامی که با این روحیه و این عقیده به میدان می‌آید دست و دلبازتری خواهد داشت، او هرگز احساس کمبود و فکر فقر به مغز خود راه نمی‌دهد، بلکه خدا را شکر می‌گوید که او را موفق به چنین تجارت پرسودی کرده است.

همان تعبیری که قرآن مجید در آیه ۱۰ و ۱۱ سوره صف فرموده است یا ایها الذین آمنوا هل ادلکم علی تجارة تنجیکم من عذاب الیم - تومنون بالله و رسوله و تجاهدون فی سبیل الله باموالکم و انفسکم ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید آیا شما را به تجارت پرسودی که از عذاب دردناک رهاییتان میبخشد راهنمایی بنمایم؟ - ایمان به خدا و پیامبرش بیاورید و در راه خدا با اموال و جانهایتان جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر می‌دانستید».

در روایتی از پیغمبر گرامی اسلام میخوانیم که فرمود:

ینادی مناد کل لیلۃ لدوا للموت! و ینادی مناد ابنوا للخراب!

و ینادی مناد اللهم هب للمنفق خلفا.

و ینادی مناد اللهم هب للممسک تلفا!

و ینادی مناد لیت الناس لم یخلقوا.

و ینادی مناد لیتهم از خلقوا فکروا فیما له خلقوا!!
در هر شب منادی آسمانی ندا میدهد بزائید برای مردن! و منادی دیگری ندا میدهد بنا کنید برای ویرانی!

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۳

و منادی ندا میدهد خداوند! برای آنها که انفاق میکنند عوضی قرارده.
و منادی دیگری ندا میکند خداوند! برای آنها که امساک میکنند تلفی قرار ده!
و منادی دیگری می گوید: ای کاش مردم آفریده نمیشدند! و منادی دیگری صدا میزنند ای کاش اکنون که آفریده شدند، اندیشه میکردند که برای چه آفریده شده اند؟.
(منظور از این منادیها که ندا میدهند فرشتگانند که به فرمان خدا تدبیر امور این عالم میکنند).

در حدیث دیگری از آن حضرت میخوانیم:

من ایقن بالخلف سخت نفسه بالنفقه!

«کسی که یقین به عوض و جانشین داشته باشد در انفاق کردن سخاوتمند خواهد بود».

همین معنی از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است.

اما مساله مهم اینست که انفاق از اموال حلال و مشروع باشد که خدا غیر آن را قبول نمیکند و برکت نمی دهد.

لذا در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) میخوانیم: شخصی خدمتش عرض کرد دو آیه در قرآن است که هر چه من به سراغ آن میروم آن را نمی یابم (و به محتوای آن نمیرسم).

امام فرمود کدام آیه است.

عرض کرد نخست این سخن خداوند بزرگ است که می گوید: ادعونی استجب لکم: مرا بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم من خدا را میخوانم

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۴

اما دعایم مستجاب نمیشود!

فرمود: آیا فکر میکنی خداوند عز و جل وعده خود را تخلف کرده؟.

عرض کرد نه.

فرمود پس علت آن چیست؟

عرض کرد نمیدانم.

فرمود ولی من به تو خبر میدهم: من اطاع الله عز و جل فیما امره من دعائه من جهة الدعاء اجابه: کسی که اطاعت خداوند متعال کند در آنچه امر به دعا کرده و جهت دعا را در آن رعایت کند اجابت خواهد کرد.

عرض کرد: جهت دعا چیست؟ فرمود نخست حمد خدا میکنی، ونعمت او را یادآور میشوی، سپس شکر میکنی بعد درود بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میفرستی، سپس گناهانت را به خاطر می آوری اقرار میکنی و از آنها به خدا پناه میبری، و توبه مینمائی، اینست جهت دعا! سپس فرمود: آیه دیگر کدام است؟

عرض کرد: این آیه است که میفرماید: و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه وهو خیر الرازقین اما من در راه خدا انفاق میکنم ولی چیزی که جای آن را پر کند عائد من نمی شود!

امام (علیه السلام) فرمود: فکر میکنی خداوند از وعده خود تخلف کرده؟! عرض کرد: نه.

فرمود: پس چرا چنین است؟

عرض کرد نمیدانم.

فرمود: لو ان احدکم اکتسب المال من حله، و انفق فی حله، لم ینفق درهما الا اخلف علیه: اگر کسی از شما مال حلالی به دست آورد و در راه حلال انفاق کند هیچ درهمی را انفاق نمیکند مگر اینکه خدا عوضش را به او

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۵

میدهد.

۲- اموال خود را بیمه الهی کنید:

یکی از مفسران در اینجا تحلیل جالبی دارد می گوید: عجب این است که تاجر هنگامی که بداند یکی از اموالش در معرض تلف است حاضر است آن را حتی به صورت نسیه بفروشد، هر چند طرف فقیر باشد، می گوید: این بهتر از این است که بگذارم و نابود شود. و اگر تاجری در چنین شرایطی اقدام به فروش اموالش نکند تا نابود شود او را

«خطا کار» می‌شمرند! و اگر در چنین شرائطی خریدار سرمایه‌داری پیدا شود و به او فروشد او را «بی‌عقل» معرفی می‌کنند. و اگر علاوه بر همه اینها خریدار با داشتن تمکن مالی همه گونه وثیقه‌بسیار و سند قابل اطمینانی نیز بنویسد در عین حال به او فروشد «دیوانه» اش می‌خوانند!

ولی تعجب در این است که همه ما این کارها را انجام می‌دهیم و هیچکس آن را جنون نمی‌شمرد!

زیرا تمام اموال ما قطعا در معرض زوال است و خواه ناخواه از دست ما بیرون خواهد رفت، و انفاق کردن در راه خدا یکنوع وام دادن به او است، و ضامنی بسسیار معتبر یعنی خداوند بزرگ فرموده: و ما انفقتم من شیء فهو یخلفه: هر چه را انفاق کنید عوضش را می‌دهد و در عین حال املاک خود را نزد ما گروگان گذاشته، چرا که هر چه در دست انسان است عاریتی از ناحیه اوست (و محکمترین سندها از کتب آسمانی در این زمینه در اختیار ما نهاده). اما با همه اینها بسیاری از ما اموال خود را انفاق نمی‌کنیم و می‌گذاریم

تفسیر نمونه جلد ۱۸ صفحه ۱۲۶

از دستمان برود، نه اجری داریم و نه شکری.

۳ - وسعت مفهوم «انفاق»

برای اینکه بدانیم مفهوم انفاق تا چه حد در اسلام گسترده است کافی است حدیث زیر را مورد توجه قرار دهیم:

پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کل معروف صدقه، و ما انفق الرجل علی نفسه و اهله کتب له صدقة، و ما وقی به الرجل عرضه فهو صدقة، و ما انفق الرجل من نفقة فعلی الله خلفها، الا ما کان من نفقه فی بنیان او معصية:

«هر کار نیکی به هر صورت باشد صدقه و انفاق در راه خدا محسوب می‌شود» (و منحصر به انفاقهای مالی نیست).

و هر چه انسان برای حوائج زندگی خود و خانواده خود صرف می‌کند صدقه نوشته می‌شود.

و آنچه را که انسان آبروی خود را با آن حفظ می‌کند صدقه محسوب می‌گردد.

و آنچه را انسان در راه خدا انفاق می‌کند عوض آن را به او خواهد داد مگر چیزی

که صرف بنا شود (همچون بنای خانه!) یا در راه معصیت صرف گردد.
استثناء خانه ممکن است از این نظر باشد که عین آن باقی است به علاوه مردم
بیشترین توجهشان به آن است.

بعد ←

↑ فترت

→ قبل